



سفیر ۲

ویژه نامه



هلال افق



معاونت سیاسی

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

بسم الله الرحمن الرحيم

سفیر ۲



معاونت سیاسی
نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره

عنوان : سفیر ۲ (ویژه کاروان‌های راهیان نور)

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سر دبیر: عباسعلی بیگدلی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

صفحه آرایی و حروفچینی: نقش آفرین

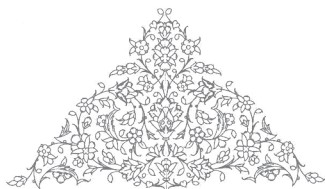
چاپ و لیتوگرافی: چاپ میثاق

شمارگان: ۱۰/۰۰۰

ناشر: معاونت سیاسی

نماینده‌ی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

فروردین ۱۳۹۴



فهرست

۲	سر آغاز (مسافر سرزمین نور)
۷	راهیان نور، پاتک بسیجیان به جنگ نرم دشمن
۲۲	راهبردهای سیاسی دشمنان علیه انقلاب اسلامی و راههای مقابله با آن
۳۷	دلایل بی اعتمادی به آمریکا از دیدگاه مقام معظم رهبری
۵۳	دل نوشته زائر کوی عاشقان
۵۶	آثار و برکات اردوهای راهیان نور





سر آغاز

مسافر سرزمین نور

سمیرا خطیب زاده

«بنده هم مثل قطره‌ای در این دریای خروشان به قصد اظهار ارادت و اخلاص با آن دل‌ها و جان‌ها و روح‌های پاکی که بعضی شهید شدند و بعضی الحمدلله زنده‌اند و در این فضا و منطقه، آزمایش‌های بزرگ صدر اسلام را دوباره تکرار، به اینجا آمده‌اند» (بیانات مقام معظم رهبری، دو کوهه، فروردین ۱۳۸۱)

لبیک، اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک ...

و این ندای حسین است، که هر روز و شب در گوش زمان می‌پیچد و تو را به خود می‌خواند. کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. و این زمین قطعه‌ای از خاک کربلاست، که اصحاب خمینی (ره) را نیز در آن هشت سال آسمانی چون اصحاب عاشورایی حسین (علیه السلام) آزمودند و تو نیز ای مسافر سرزمین نور! بدان که تا تو را هم به بلای کربلا نیازموده‌اند، از دنیا نخواهند برد.

روزهای بسیاری بود که در پی یک روزنه نور می‌دویدی، اما آخر کار پوچی بود تا آن روز که به این سرزمین قدم گذاشتی...

به وادی عشق آمده‌ای، به بیابان طلب، به کویر معرفت، که بال و پر دنیایی‌ات را بسوزانی و آتش به جانت بیفتد. به سنگر صبوری خواهی رفت که عطر آسمانی شهادتِ رزمندگاش را هیچ کس جز خود خدا نفهمید. کجاست آن حماسه غرور؟ آن خمپاره‌های آسمانی؟ نمی‌دانم سرّ این سرزمین چه چیزی است؟ ببین چه مهربانانه تو را به ضیافت خویش می‌خواند. چه میهمانی قشنگی، که میزبانت شهدا باشند. چه سال نیکویی که عیدی اصلی را از شهدا بگیری.

باور کن این بار سال جدیدت، باشکوه‌تر از گذشته تحویل می‌شود وقتی کنار احسن الحال ترین مردم روزگار، یعنی شهدا باشی.

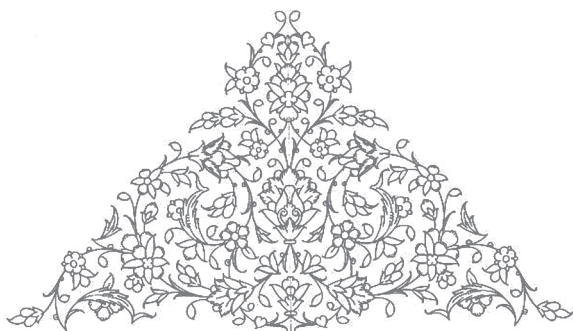
فرقی نمی‌کند ظهر بررسی یا غروب؟ اینجا سرزمین هزار خورشید است. سرزمین نزول وحی و عشق است. انگار آسمان و زمین این سرزمین با هم پیوندی دیرینه دارند. اینجا نقطه پرواز است. نقطه وصل. فرشتگان را ببین نور می‌برند و نور می‌آورند. حاجی سرزمین نور، زمان محرم شدن است. با محرمان حریم وصل احرام ببند. پای بر روی تربت این خاک پاک بگذار. چه می‌گوییم؟ فرش زیر پایت بال فرشتگان و آسمانت بهشت برین است. بهشتیان هم رشک می‌برند بر این تربت پاک.

اینجا همه چیز متفاوت است، و همین تفاوت زیبایش می‌کند. اینجا شهدا با هم مسابقه می‌دادند برای کسب خوبی‌ها و فضیلت‌ها. اینجا بوی گذشت و فداکاری می‌دهد نه غرور و منیت‌ها. اینجا دنیا چه کوچک است در برابر عظمت روح شهدا؟

اینجا احساس می‌کنی خدا هم به تو نزدیک‌تر است، به واسطه فیض شهدا، این را می‌توانی از اشک چشمانت حس کنی، که جاری می‌شوند و می‌شویند هرچه ظلمت و تاریکی‌هاست.

اما با خدای خودت عهد ببند که سبکبال برگردی و سرشار از یک تصمیم آسمانی، تصمیمی برای خوب زیستن و خوب ماندن. حتی تصمیمی برای زیبا مُردن که بهترین مرگ همان شهادت است.

با خدای خودت عهد ببند که پیمان شکن نباشی برای عهدی که با شهدا بسته‌ای. عهدی برای فرمانبرداری از ولایت. عهدی برای خوب سربازی کردن برای بهترین فرمانده دنیا، که همه دنیا وعده آمدنش را داده‌اند. عهدی برای یک منتظر واقعی ماندن.





راهیان نور، پاتک بسیجیان به جنگ نرم دشمن

بهزاد کاظمی

چکیده

به فرموده امام خامنه ای «مدظله العالی»: هشت سال دفاع مقدس مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است».

بسیج از بدو تشکیل تاکنون نقش خود را در ابعاد و عرصه‌های گوناگون به خوبی ایفا نموده است و ماندگاری و سربلندی و امنیت و اقتدار همه جانبه کشور دلیلی گویا به این مدعا است و در آینده نیز سپر دفاعی کشور و عامل به شکست کشاندن توطئه‌ها و خنثی کردن فتنه‌ها و شیطنت‌های استکبار جهانی و ایادی آن خواهند بود. بسیج، نهادی گسترده است که پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه و مدافع حقیقی انقلاب اسلامی در برابر جنگ نرم دشمنان نیز محسوب می‌شود.

بدیهی است اردوهای راهیان نور و نقش آفرینی بسیجیان در آن یکی از موثرترین راه های مقابله با جنگ نرم است که در این نوشتار بررسی می شود.

کلیدواژه ها: راهیان نور، بسیجیان، جنگ نرم

مقدمه

دشمن تصمیم گرفته بود که انقلاب اسلامی را در نطفه خفه کند و در این سودا به سر می برد که با نیروهای نظامی خود تهران را تصرف کند؛ اما مردم و رزمندگان که دل در گرو انقلاب داشتند، در همان نقاط مرزی، دشمن را زمین گیر کردند و با تنبیه دشمنان، به جهانیان نشان دادند که متجاوز کیست و چه کسی تحت تعدی قرار گرفته است. جنگ نظامی دشمن و ضد انقلاب در یک مقطعی تمام شد، هر چند جنگ تحمیلی از جمله جنگ های طولانی در دنیا محسوب می شود، ولی پس از این که دشمن از جنگ نظامی نتیجه نگرفت، جنگ نرم را که به مراتب پیچیده تر، چند لایه تر و عمیق تر بود، در پیش گرفت.

جنگ نرم ممکن است ۱۰ سال، ۲۰ سال و یا حتی ۵۰ سال طول بکشد. با چنین توصیفی دشمن برای تحمیل جنگ نرم به ما سرمایه گذاری و سازماندهی خاصی را در دستور کار قرار داد. طبق این سازماندهی دشمنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی، علمی، فناوری و مدیریتی راهبردهایی دارند که به آنها نشان می دهد با جمهوری اسلامی چه رفتاری داشته باشند.

از جمله راهبردهای به کار گرفته شده از سوی دشمنان این است که درصددند تا نقاط مثبت و درخشان و سرمایه های بزرگ جامعه ایران اسلامی را تضعیف کنند. یکی از ارزش های ما دفاع مقدس است و آمریکا و صهیونیسم

بین الملل که گردانندگان ابرسرمایه داری جهانی هستند در تلاش اند تا این نقطه درخشان را کم رنگ جلوه دهند. حضور پررنگ و موفق بسیج در جنگ تحمیلی، ارزش بسیج را بیش از گذشته در برابر چشم ها قرار داد. از این رو، بیشتر مردم، بسیج را به عنوان نهادی نظامی می شناسند. باید توجه داشت که گرچه یکی از وظیفه های مهم بسیجیان، آمادگی نظامی برای دفاع از خطرهای نظامی است، ولی بسیج در نظر امام خمینی رحمه الله، تکلیفی فراتر از این دارد. دفاع مقدس ملت ایران در طول هشت سال، ماهیتی متفاوت از جنگ های دیگر دارد. آنچه رزمندگان ایرانی را تا پای جان در میدان نگاه می داشت، معنویت و فرهنگ و تفکر دینی بود.

دفاع مقدس، تصویر روشنی از تفکر بسیجی است. در این تفکر، انسان، موجودی مادی نیست که در حصار دنیا محصور باشد، بلکه موجودی الهی است که برای رسیدن به سعادت جاودانی تلاش می کند. همین تفکر است که ذهن های آگاه فراوانی را از سراسر جهان به خود معطوف داشته است.

ارزش و جایگاه حرکت راهیان نور

حرکت راهیان نور با ورود خانواده های رزمندگان به سرزمین هایی که در آن ها دفاع صورت گرفت، آغاز شد. امام خامنه ای (مدظله العالی) طی ۴ دوره از سال ۷۸ تا ۸۹ از مناطق عملیاتی بازدید کردند و همین امر مزید بر علت شد که توجه بیشتری به این مناطق شود. مناطقی که ملت ایران هشت سال در آن ها درخشید و از سرزمین، حیثیت و انقلاب خود دفاع کرد.

راهیان نور یکی از پدیده هایی است که به مثابه سدی

در برابر تلاش‌های دشمنان محسوب می‌شود، با افزایش شناخت مردم از دفاع مقدس تلاش‌های دشمنان مصداق آب در هاون کوبیدن است. راهیان نور، فرهنگ مقاومت برخاسته از دوران دفاع مقدس را به نسل امروز منتقل می‌کند؛ از این رو پدیده راهیان نور نقش بارزی در خنثی‌سازی جنگ نرم دشمنان ضدنظام اسلامی ایفا می‌کند. راهیان نور الگوی مقاومت را ترویج می‌دهد و باید با ارتقا و انتقال این الگو، نسل‌های دیگر را با دفاع مقدس آشنا کرده و یکی از اجتماعات بزرگ در میهن اسلامی و در عین حال یکی از تاثیرگذارترین رخدادهای در عرصه گردشگری است.

راهیان نور باعث شد تا روند جامعه‌پذیری برخلاف آنچه خواسته دشمنان است پیش برود و نسل امروز از روزنه همین پدیده به گذشته خود مرتبط می‌شود و نسبت به این مساله علم پیدا می‌کند که در دوران دفاع مقدس چه اتفاقی افتاد؟ چه کسانی به کشور حمله کردند و چه کسانی دفاع کردند؟

امام خامنه‌ای در خصوص اهمیت و ارزش حضور در مناطق جنگی و زیارت سرزمین‌های دفاع مقدس فرموده‌اند: «جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه اتحاد، در سایه ایمان به خدا، در سایه حُسن‌ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده الهی، می‌تواند از همه گذرگاه‌های دشوار عبور کند و می‌تواند در مقابل دشمنان بایستد و می‌تواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه ما نشان داد.

من به شما عرض می‌کنم، نگذارید یاد دوران دفاع

مقدس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی - چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره سال؛ که بحمدالله حالا در دوره سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت می‌کنند و این سرزمین‌ها را زیارت می‌کنند - بسیار کار پسندیده‌ای است، کار درستی است، کار عاقلانه‌ای است که ملت ایران می‌کند؛ خاطره این سرزمین‌ها را زنده نگه دارید. این سرزمین‌ها، این بیابان‌ها، این رود کارون، این جاده اهواز - آبادان یا اهواز - خرمشهر، این مناطق گوناگون که با اسم‌های مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی می‌کنند، اینها شاهد برترین فداکاری‌ها و مجاهدت‌ها و از خودگذشتگی‌ها بوده‌اند... در هر کدام از این مناطق، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سر بلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت‌المقدس اتفاق افتاد، یا آنچه در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد، یا آنچه بعد از اینها در عملیات خیبر اتفاق افتاد، ذره ذره این عملیات و شخصیت‌هایی که این فداکاری‌ها از آنها سر زد و حوادث را ساختند، می‌تواند مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش نشدنی را برای ملت ایران رقم بزند. دشمن‌ها می‌خواهند ما یادمان برود؛ می‌خواهند قضیه دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود، شخصیت‌هایی را که در این فداکاری‌ها نقش آفریدند یا شناسیم یا از یاد ببریم، این جور می‌خواهند. بعضی می‌خواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدم‌ها را تخطئه کنند، آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای

اینکه می‌دانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده‌ای دارد.

بنده باز هم به ملت ایران عرض می‌کنم این حرکت راهیان‌نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیز که از راه‌های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه عظیم حرکت راهیان‌نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر می‌کنم و امیدوارم ان‌شاءالله همه‌ی شما مأجور باشید و همه شما ان‌شاءالله با دست پُر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان‌شاءالله از این منطقه جدا بشوید» (بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۰۱/۰۶)

ماهیت جنگ نرم

جنگ نرم در برابر جنگ سخت در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی از اشکال جنگ نرم هستند. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.

محور اصلی جنگ نرم را مدیریت افکار همراه با مدیریت احساسات و در نهایت، مدیریت رفتار جامعه یا گروه هدف تشکیل می‌دهد که با بهره‌گیری از روش‌های تبلیغاتی، روانی و جذب صورت می‌گیرد. اهداف جنگ

نرم «استحاله» و «بی ثبات سازی» یا «تضعیف ساختار» حاکمیت و «براندازی» یا «تغییر ساختار» حاکمیت است. به عبارت دیگر هدف نهایی، براندازی ساختار مستقر در کشور هدف است.

اولین کاری که در جنگ نرم صورت می گیرد، شخص را نسبت به دیدگاه های خود دچار تردید و شک می کنند تا دچار خلاء فکری و پوچی شده و آماده پذیرش مطالب از پیش تعیین شده دشمن بشوند. در مرحله بعد، القای دروغ در اخبار داخلی و القای درست بودن اخبار خودشان است. مرحله دیگر، فریب و انجام کار مورد نظرشان می باشد.

جنگ نرم از نگاه مقام معظم رهبری

«در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان ها، معرفت ها، عزم ها، پایه ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ این ها می آید که این ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت های یک نظام را به تهدید تبدیل کند». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲).

ظرفیتهای فرهنگ دفاع مقدس در رویارویی با جنگ نرم

رشد باورهای دینی در دوران دفاع مقدس بسیار چشم گیر بود. همه چیز ما در جبهه و پشت جبهه، رنگ و صبغه الهی به خود گرفته بود. میادین نبرد و سنگرهای رزمندگان، آکنده از حضور خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بود. نیایش ها و شب زنده داری ها و توسل خالصانه رزمندگان و

امت شهیدپرور به ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) فضای کشور را به عطر ایمان و معنویت معطر کرده بود و روح عبودیت در مردم موج می‌زد؛ حتی بی تفاوت‌های جامعه در این فضای معنوی به خود آمده، تحول عمیق درونی در آن‌ها ایجاد شد.

از برکات دیگر دفاع مقدس، رشد فضایل اخلاقی و معنوی در افراد و تقویت ارزش‌های اجتماعی بود؛ به طوری که همه اقشار ملت تحت تأثیر اخلاق رزمندگان و فضایل انسانی خانواده آنان قرار داشتند؛ به ویژه موقعی که مراسم تشییع شهدا برگزار می‌شد، همگان شرکت فعال داشته، از فضای معنوی آن بهره‌مند می‌شدند.

بسیار دیده‌ایم یادگاران عزیز جنگ را که بر سوگ از دست دادن جبهه سخت می‌گریند. گریه آنان در حسرت از دست رفتن آن فضای روحانی و معنوی است. بچه‌های جنگ در آن فضای معنوی به تصفیه و تزکیه می‌پرداختند و دل خود را به نور حق مصفا می‌کردند و به فرموده امام راحل (ره) راه صد ساله را یک شبه می‌پیمودند؛ بدانگونه که «پیر میکده عشق» آن رزمنده سیزده ساله را رهبر خویش می‌خواند و در «نماز عشق خود» به او اقتدا می‌کند. این بُعد از جنگ، یکی از زیباترین ابعاد جنگ است. از این رو آشنایی با آن و زمینه‌ی ایجاد شناخت آن، نیاز مبرم جامعه به ویژه جوانان است و این مستلزم عبور از سطح ملموس جنگ و نقب زدن به بطن و حقیقت جنگ است.

بیانات امام خامنه‌ای در این باره بسیار است که نمونه‌هایی از آن را مرور می‌کنیم: «ملت ایران اگر بخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد - که می‌خواهد و ان شاء الله خواهد رسید - راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت،

تدبیر، عزم راسخ، اراده مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه اینها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبیشان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر می‌کند؛ می‌توانند مقاومت کنند.

آنچه مهم است این است که ملت ایران این مقطع تاریخی حساس - مقطع دفاع مقدس - را هرگز فراموش نکند و سال‌های پرمحنت، ولی پرافتخار دوران جنگ تحمیلی را هرگز از یاد نبرید. این آمدن‌ها، این اظهار ارادت‌ها، این یادبود گرفتن‌ها، کمک می‌کند به اینکه این یادها در ذهن‌ها زنده بماند. من از این حرکت راهیان نور - که چند سال است بحمدالله روزبه‌روز هم در کشور توسعه پیدا کرده - بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی می‌دانم. و معتقدم این مقطع حساس برای ما یک تجربه است. شما جوان‌های امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر می‌شدید.»

بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین (۱۳۸۹/۰۱/۱۱).

«به نظر من مسأله دفاع مقدس و آنچه در این دوران بروز کرد، یک مسأله عادی نیست؛ برای همه ملت‌ها این‌طور است؛ در مورد ملت ما به دلایل گوناگون بیشتر از دیگران است؛ لذا این را نمی‌شود جزو روال عادی زندگی ملت‌ها به حساب آورد. دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهره خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد. عرض کردم، همه‌ی ملت‌ها همین‌طورند؛ با اختلافاتی که در

کیفیت کار و اهداف و جهتگیری ها و نیتها وجود دارد. نسل جدید ما متأسفانه کم اطلاع است. باید کاری کرد که نسل جدید و نسل های بعد، از این ظرفیت، از این ذخیره عظیم و از این گنج تمام نشدنی استفاده روحی کنند؛ امید پیدا کنند و خودشان را بشناسند. این زن ماست، این مرد ماست، این جوان های ما هستند که این طور در میدان های نبرد توانستند ابتکار کنند». (بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت ۱۳۸۴/۰۶/۳۱).

«این ملت آنچه که داشت، در طبق اخلاص گذاشت و آمد. مرد روستایی و زن روستایی، مرد و زن مستضعف شهری، خانواده های گوناگون، جوان های فراوان، قشرهای مختلف، سازمان های رزمنده کشور - ارتش، سپاه، حتی نیروی انتظامی و بسیج عظیم مردم - همه اینها آمدند وارد میدان شدند. حقیقتاً ملت ایران در آن هشت سال، کار بزرگی را انجام داد.

امروز کار عده ای که به میدان جنگ رفتند و در این هشت سال، آن حماسه را آفریدند - چه شهدایشان، چه ایثارگران شان، چه رزمندگان شان - دیگر تمام شد. آنها کار خودشان را کردند. پس از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز می شود؛ علاوه بر گزارش هایی که در دوران جنگ دادند. همین دوره جنگ، چقدر برای ما هنرمند درست کرد؛ چقدر شخصیت های برجسته درست شدند! غیر از آن، بعد از پایان جنگ، نوبت این خیل عظیمی است که این دیگر مسأله اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد». (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس ۱۳۷۹/۰۷/۰۶).

«حادثه‌ی عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگ‌های پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والایی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. آنچه که در دوران آن هشت سال از بروز خصلتهای والا و پسندیده انسانی، از شجاعت، از ایثار، از اخلاص، از صدق و صفا، از بروز تدبیرهایی که از یک جوان چنین تدابیری انتظار نمی‌رفت - این برجستگی‌هایی که در دوره هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد - اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود. چقدر جان عزیز فدا شد، چقدر ثروت مال و ثروت وقت مصرف شد. آنچه که در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان میتواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.... جنگ توانست از یک مجموعه جوان، مجموعه‌ای از عناصر کارآمد و بالاستعداد درست کند و تحویل بدهد؛ چون استعدادها در اینها شکوفا شد. جنگ مظهر این ارزش هاست. اینها چیزهایی نیست که هیچ ملتی از اینها خود را بی‌نیاز بداند؛ بنابراین راوی جنگ، در واقع دارد یک چنین ارزش‌هایی را روایت می‌کند؛ حکایت یک چنین خصال پسندیده و اوج‌هایی را دارد به مستمعین خودش نشان می‌دهد.

اینکه تصور بشود که هنر دفاع مقدس در جامعه ما

مخاطب ندارد، طالب ندارد، این هم خطای بزرگی است، از اشتباهات فاحش است؛ اگر کسی این را خیال کند. تحقیقاً پرمشتری ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس بود؛ چه در زمینه فیلم و سینما، چه در زمینه کتاب، خاطره، داستان». (بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس ۱۳۸۸/۰۶/۲۴).

راهیان نور، راه مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

جامعه امروز ما نیاز ویژه‌ای به تغذیه فرهنگ غنی اسلام دارد که کاروان‌های راهیان نور و سفرهای زیارتی به مناطق جنگی جنوب و غرب کشور می‌تواند تا حدود زیادی این مهم را یاری رساند. اگر در برنامه ریزی اردوهای راهیان نور با دقت و نگاه ویژه به مقوله فرهنگ برخورد شود، قطعاً می‌تواند تأثیرات شگرفی بر فضای عمومی جامعه داشته باشد. راهیان نور می‌بایست به عنوان یک فرهنگ در جامعه اسلامی نهادینه شود.

آثار تاریخی و معنوی هشت سال دفاع مقدس، هویت ما را نشان می‌دهد، مشاهده مناطق عملیاتی دفاع مقدس باعث می‌شود که بخش مهمی از هویت تاریخی خود را ببینیم. این فضای جغرافیایی بخشی از میراث جنگ ماست. مشاهده مناطق جنگی هشت سال دفاع مقدس یکی از امور لازم برای جوانان و دانشجویان است و اگر برای نسل امروز یا یک دانشجو می‌خواهیم آموزش دهیم که در شرایط سخت چگونه مشکل را حل کند یا چگونه تهدید را به فرصت تبدیل نماید باید چه کنیم؟ بهترین روش، مشاهده تجربه‌های گذشتگان و پدران خود در

سرزمین های مقدس عملیاتی است. همانطور که امام خامنه ای تأکید فرموده اند، مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس، سرزمین های مقدسی است که حضور در آنان می تواند روح انسان را از بدی ها و ناپاکی ها دور سازد. مناطق عملیاتی که در دورانی نه چندان دور معرکه تقابل حق و باطل بوده است، امروز برای اهل معرفت به مثابه نقطه ای از بهشت است که از آن عطر معنویت و انسانیت به مشام جان می رسد. برگزاری چنین کاروان هایی که سفری معنوی و خاطره انگیز است موجب تشویق و ترغیب را فراهم می آورد.

سرلشکر فیروزآبادی رییس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در مورد راهیان نور خاطر نشان نموده است: «راهیان نور رفتن به سمت نور است. رفتن به سمت خدا، جهاد و کربلاهای ایران است. به راستی که کربلاهای ایران بوی کربلای حسینی می دهد و نشاط این مکان مقدس را برای همه ما زنده می کند. کسانی که در مناطق عملیاتی دفاع مقدس حضور پیدا می کنند و سجده بر خاک این مناطق می زنند، می توانند آن نور را احساس و قلبشان را از آن فضا بهره مند سازند. این حس و شور و حال توصیف شدنی نیست و باید راهیان نور را حس کرد.

راهیان نور یکی از مهم ترین اقدامات فرهنگی کشور در خصوص مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن است، جوان ها ادامه دهنده راه بزرگان خود هستند و بایستی جان، روح و احساساتشان را در جبهه های ایران معطر کنند. ولایتی که در جبهه ها حس کردید، ولایتی است که رزمندگان ما آن را با خونشان امضا کردند و به سمت مولایشان امام

حسین (ع) رفتند و همین امر، درس مهمی برای جوانان امروز است تا از آن بهره بگیرند. جوان باید بداند راه سعادتش از درون این واژه های دفاع مقدس عبور می کند و همین واژه ها معنی فرهنگ انقلاب اسلامی می دهد. راهیان نور یک دانشگاه کامل و جامع و فرصتی است برای آموزش معارف عملی با نشأت گرفتن از رشادت ها و مجاهدت های شهدا و جانبازان والا مقام».

نتیجه گیری

اردوهای راهیان نور یک برنامه اثرگذار فرهنگی است که فضای مناسبی را برای معرفی شهدا و فرهنگ دفاع مقدس فراهم کرده است. امروز برای مقابله با جنگ نرم دشمن باید الگوهای مناسب را به جوانان، معرفی و فرهنگ دفاع مقدس را به نسل نو منتقل کنیم که راهیان نور از اثرگذارترین برنامه ها در این زمینه است و بسیج نیز در این زمینه نقش و مسئولیت به سزایی دارد. برای تقویت اثربخشی راهیان نور بایستی به موارد زیر توجه بیشتری صورت گیرد:

۱- روایتگری یکی از مهم ترین فعالیت های فرهنگی اردوهای راهیان نور به شمار می رود که کیفیت آن باید رشد کند و معرفی معنویت و سیره عملی شهدا بیش از مناطق عملیاتی و روایت مسائل جغرافیایی و دستاوردهای نظامی مورد توجه قرار گیرد.

۲- یکی از مسائل اساسی در زمینه راهیان نور اتقان محتوا در روایتگری و هدفمند بودن آن است که تنها با تکیه بر پژوهش و مطالعه میسر خواهد بود.

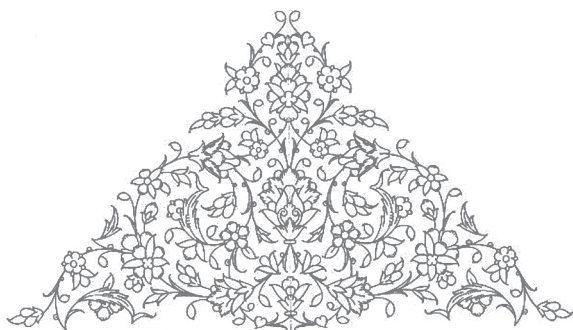
۳- راویان باید سیره عملی شهدا را به کاروان ها انتقال دهند تا نوجوانان و جوانان بدانند که چگونه می توان راه

سفر ۲

شهدا را ادامه داد؛ زیرا هدف از آشناسازی جوانان با مفاهیم
ایشان و شهادت، معرفی شهدا به عنوان الگوی دست یافتنی
و ایجاد نشاط معنوی و پیاده کردن سیره عملی شهدا در
زندگی است.

کتابنامه

- ۱- پایگاه اینترنتی امام خامنه ای
- ۲- خبرگزاری فارس
- ۳- خبرگزاری ایسنا
- ۴- ستاد جامع راویان کشور





راهبردهای سیاسی دشمنان علیه انقلاب اسلامی و راه‌های مقابله با آن

علی آزر می

مقدمه:

تاریخ معاصر ایران پس از نهضت مشروطه، سرشار از فراز و نشیب‌های گوناگون بوده است. بدون شک وقوع انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی(ره) نقطه عطفی در تحولات تاریخ معاصر ایران محسوب شده و در زمره یکی از درخشان‌ترین نقاط تاریخ سیاسی ایران است؛ انقلابی که موجب شد تا ملتی که سال‌ها در زیر یوغ بی‌لیاقت‌ترین و سرسپرده‌ترین حکام زندگی می‌کردند نظام سیاسی را روی کار بیاورند که بی‌شک یکی از اصلی‌ترین اصول آن احترام به مردم و حمایت از مستضعفان در ایران و خارج از کشور بوده و استقلال از بیگانگان و مقابله با سلطه‌گران را تجلی بخشیده است. اما انقلاب اسلامی در واقع چیست و به چه چیزی اشاره دارد؟ انقلاب در دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب

دارای یک تفسیر اسلامی و الهی بوده و به معنی زنده کردن دوباره اسلام است. مقام معظم رهبری معتقدند که انقلاب یک تفسیر اسلامی و الهی است ما انقلاب را یک تحوّل اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن‌ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آن‌گاه رشد همه‌جانبه ابعاد انسان‌ها می‌آید. همان طور که در آیه قرآن است «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینقضوا ما بانفسهم» چنان‌که می‌فرمایند هر وقت انسان‌ها خصلت‌های بد، ضعف‌ها، نقص‌ها و بی‌ایمانی‌ها را در خودشان تغییر دادند، اوضاع و احوال اجتماعی آن‌ها تحول پیدا خواهد کرد. هیچ‌چیز هم جلوگیری آن نخواهد بود. برای شروع این حرکت و تحول همگانی، انسان‌ها باید احساس تکلیف کنند انقلاب یعنی تحول بنیادی، که در آن پایه‌های غلطی برچیده شود و پایه‌های درستی به‌جای آن گذاشته شود و ارزش‌های غلط جای خود را به ارزش‌های صحیح بدهد و باعث سازندگی شود.

براین اساس می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران به لحاظ سلبی، خط بطلانی بر بسیاری از مناسبات و روابط سیاسی- اجتماعی در داخل و خارج ایران کشید و به لحاظ ایجابی مناسبات جدیدی را بنیان نهاد و نگاه انسان ایرانی و بسیاری از انسان‌های دیگر را به جهان هستی، انسان، فرجام زندگی، حکومت و نظام سیاسی و ... تغییر داد. برآیند همه اتفاقات منجر به انقلاب اسلامی، عمومیت یافتن گفتمانی در داخل کشور و همچنین در سطح نظام بین‌الملل بوده است که اسلام سیاسی فقهتی و نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و برقراری نظم نوین بین

المللی براساس عدالت خواهی، آزادی و مبارزه با استکبار از ویژگی های اساسی آن به شمار می رود. دشمنان انقلاب اسلامی بعد از پیروزی انقلاب دست به کار شدند و در حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در صدد مبارزه و به انحراف کشیدن انقلاب اسلامی برآمدند. در یادداشت حاضر با علم به اینکه همه حوزه های ذکر شده درهم تنیده هستند و بر یکدیگر تاثیر می گذارند تلاش داریم به بررسی برنامه های سیاسی دشمنان انقلاب اسلامی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب عزیزمان پرداخته و راهکارهای مقابله با آن را تشریح نماییم.

راهکار های سیاسی نظام سلطه و دشمنان علیه انقلاب اسلامی

برنامه های سیاسی دشمنان علیه انقلاب را می توان به دو دسته تهدیدهای نرم و سخت تقسیم کرد. تهدید نرم را می توان مجموعه ای از اقدامات دانست که موجب تغییر و دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می شود. در تهدید نرم عامل تهدید، بدون منازعه فیزیکی و استفاده از نیروی نظامی و لشکرکشی و به راه انداختن جنگ، تلاش می کند تا خواست و اراده خود را به طرف مقابل تحمیل و آن را به رفتار مطلوب مورد نظر خود وادارد. در تهدید نرم عامل تهدید از ابزارهای فرهنگی و با هدف تأثیرگذاری بر ذهن ها و باورهای یک جامعه استفاده می کند، و شاید به همین دلیل باشد که امروزه خطرناک ترین تهدید را تهدید

نرم به حساب می آورند چرا که ارزش ها و آرمان های یک ملت و نظام سیاسی را آماج تهدید قرار می دهد و باعث تضعیف روحیه به عنوان عامل مهم قدرت ملی و در نتیجه از بین بردن دفاع مقاومت در یک ملت می شود.

- تهدید سخت نیز بدین صورت است که هرگاه به موجب اقداماتی استقلال و تمامیت ارضی کشور در خطر (بالفعل یا بالقوه) هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر یا اتحادی از کشورهای خارجی یا گروه های معارض مسلح داخلی قرار گیرد، تهدید سخت واقع شده است. در این تهدید عمدتاً هدف اشغال سرزمین است. تهدیدهای سخت متکی به روش های فیزیکی، عینی، سخت افزارانه و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت آمیز، براندازی آشکار و با استفاده از شیوه زور و اجبار و حذف دفعی و اشغال سرزمین است. این تهدیدها عمدتاً محسوس، واقعی و عینی و با عکس العمل های فیزیکی همراه است.

برخی از تهدیدها و راهبردهای سیاسی نظام سلطه و دشمنان علیه انقلاب اسلامی در طول سی و پنج سال گذشته بدین صورت بوده است:

۱- تهدید نرم و تلاش برای القای افکار ضد دینی و تضعیف جایگاه مقدس ولایت مطلقه فقیه در ایران: اهمیت منحصر به فرد نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی که هم از پشتوانه مردمی قابل توجهی برخوردار است و هم می کوشد در چارچوب اعتقادات دینی حرکت کند، همواره یکی از مهم ترین چالش ها را برای مخالفان و دشمنان این نظام به همراه داشته است. فراتر از آن، وجود رکن رکنی همچون

ولایت فقیه در رأس نظام نیز خود به مانعی مهم‌تر در مقابل دشمنان بدل شده است. این مطلب روز به روز برای دشمن مسجل‌تر شده است که رکن ولایت فقیه و نیز شخص رهبری مهم‌ترین مانع در برابر سناریوهای غربی برای مه‌ار، تغییر رفتار و تغییر ساختار جمهوری اسلامی ایران بوده است. در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۴م (۳۰ آذر ۱۳۸۳هـ.ش)، گزارشی توسط «مارک پالمر» تهیه و توسط «کمیته خطر جاری» منتشر شد که حاوی نکاتی مهم بود. شایان ذکر است در این کمیته، عناصر از جمهوری خواهان آمریکا، مثل جورج شولتز (وزیر خارجه ریگان) و کینگریج (برجسته‌ترین چهره نومحافظه کاران و سخنگوی کنگره در دوره بوش پدر) عضویت دارند. مارک پالمر نیز نایب رئیس سازمان آمریکایی با نام Freedom House، مشاور شش وزیر خارجه آمریکا، متن‌نویس سخنرانی‌های هنری کیسینجر و سه رئیس‌جمهور آمریکا، از نخستین سرمایه‌گذاران غربی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی پس از فروپاشی کمونیسم، بنیان‌گذار چندین شبکه تلویزیونی در این کشورها است که همگی با هدف تغییر در نظام سیاسی کشورها و مقابله با موج اسلام‌گرایی صورت می‌گیرد.

این گزارش، که سومین گزارش دوران فعالیت کمیته خطر جاری آمریکا بود، با عنوان «ایران رویکرد جدید» (Iran - A New Approach)، به طور تخصصی، راهبردها و سیاست‌های مقابله‌ای با جمهوری اسلامی ایران را ارائه می‌نمود و در نهایت خواستار تقویت جریان ایرانی همسو با آمریکا می‌شد. با مطالعه این گزارش شش صفحه‌ای،

روشن می‌شود که این سند راهبردی، با تهاجم علیه مقام معظم رهبری آغاز شده است و در متن گزارش، ۳۳ بار شخصیت حقیقی و حقوقی معظم‌له مورد هجوم و تخریب قرار می‌گیرد. اگرچه این تهاجم در نوع و سطح خود بی‌نظیر است، اما نشان دهنده جایگاه رهبری و ولایت فقیه در مقابله و ناکام‌سازی تهاجم فرهنگی و نرم دشمنان انقلاب اسلامی است. تلاش برای تخریب چهره معظم‌له و اطرافیان‌شان، اعتبار زدایی از جایگاه ولایت فقیه، تلاش برای جلوگیری از اثربخشی رهبری در هدایت بیداری اسلامی، ایجاد هزینه برای نظام و رهبری از طریق تشدید اختلافات میان مسئولان و پافشاری برخی از کارگزاران بر امور کم‌اهمیت، هزینه کردن برخی سیاسیون و کارگزاران از عنوان رهبری برای پیش برد اهداف جناحی و شخصی، همه و همه آسیب‌ها و تهدیدهایی است که می‌تواند به تکمیل سناریوی دشمن کمک کند و هوشیاری بیشتر دلسوزان نظام و انقلاب را می‌طلبد.

۲- ایجاد شکاف میان حاکمیت و جامعه

اتصال فوق‌العاده مستحکم میان امام جامعه و امت، نقطه‌ای است که مهم‌ترین مانع را در برابر سناریوی راهبردی دشمن ایجاد نموده است. پیش از این نیز در فتنه ۸۸ تلاش وافری شد تا بخشی از جامعه مقابل حاکمیت تصویر شود که این توطئه ناکام ماند. در این میان، تلاش برای آنکه در موضوعات جاری و اساسی کشور، اختلاف و شکاف میان نظر نظام و به ویژه مقام معظم رهبری و مطالبه عمومی مردم و جامعه القا گردد زیاد است. نمونه‌های بارز این مطلب را در موضوعاتی همچون پرونده

هسته‌ای ایران و مذاکره با آمریکا می‌توان دید که دشمنان در صدد القای شکاف هستند؛ البته حضور با بصیرت مردم همیشه انقلابی و گوش به فرمان مقام معظم رهبری در انتخابات‌ها و راهپیمایی‌های مختلف از جمله ۲۲ بهمن امسال نقشه‌های آنان را بر هم زده است.

۳- ایجاد و تشدید شکاف‌های درون حاکمیتی

در فضای غبارآلود فتنه ۸۸ تلاش شد تا تقابل بخشی از نخبگان حاکمیتی و خواص در مقابل نظام و رهبری به گونه‌ای القا شود که اولاً نظام از درون متلاشی شده است و از سویی دیگر، رهبری و ادار به عقب‌نشینی در مقابل زیاده‌خواهی‌های غرب می‌شود. هرچند این سناریو ناکام ماند، اما قراین حاکی از آن است که دشمن هنوز از تکرار این سناریو ناامید نشده است. القای شکاف درون نظام توسط دشمن از دو منظر متصور است؛ در حالت نخست، تشدید اختلافات میان کارگزاران نظام در قوای سه‌گانه و دیگر دستگاه‌ها موجب ایجاد اخلاف در فرآیند اجرایی کشور گردیده و علاوه بر ایجاد نارضایتی عمومی، به خصوص در شرایط چالش با نظام سلطه، این گونه وانمود می‌کند که نظام از حل معضلات درونی خود عاجز مانده است. در حالت دیگر، تلاش می‌شود زیر پوشش نظرات کارشناسی در خصوص مسائل راهبردی، صفی از کارگزاران نظام در مقابل نظام، رهبری و دیگر کارگزاران وفادار به ارزش‌های اصیل انقلاب ایجاد شود که این خود به خود شرایط را برای فتنه‌ای دیگر مهیا می‌سازد و علاوه بر آن، موجب تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌شود. تلاش همه‌گیری را که دشمن در روزهای اخیر در پیشنهاد مذاکره مستقیم

با ایران، تعامل راهبردی و... ارائه نموده است در همین راستا و راهبرد «شکاف‌سازی از طریق یارگیری» می‌توان تحلیل و بررسی نمود.

۴- گسترش دادن اسلام هراسی و ایران هراسی

همواره ایران هراسی به منظور بد معرفی کردن این کشور با عناوین مختلفی مانند یک کشور بی‌فرهنگ، محور شرارت، بزرگ‌ترین حامی تروریست در جهان، کشوری که نفرت را در دنیا اشاعه می‌دهد، ایران بزرگ‌ترین تهدید برای همسایگانش، ایران تهدیدی برای صلح جهانی، اتهام به ایران برای طراحی توطئه به منظور نسل‌کشی یهودیان در آینده و موارد مشابه دیگر، پیگیری شده است. تلاش سیاستمداران غرب به رهبری آمریکا برای ایجاد فرهنگ «اسلام هراسی» در جوامع خود به واقعیتی چنان آشکار تبدیل شده که خود غربی‌ها نیز درباره آن بسیار گفته و نوشته‌اند.

به اذعان این افراد، یکی از اهداف اصلی این تلاش، جایگزین کردن یک دشمن خیالی برای غرب سرمایه داری به جای دشمنی است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ پیوست. بر این اساس، سیاست‌های توسعه طلبانه و استعماری آمریکا و غرب بدون حضور یک «دشمن فرضی» مشروعیت لازم را نخواهد داشت و نمی‌تواند ادامه یابد. از طرفی دیگر دولت جرج بوش پسر پس از حادثه مشکوک ۱۱ سپتامبر به طور رسمی از جنگ صلیبی علیه مسلمانان سخن گفت؛ در این راستا «اسلام هراسی» بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز نومحافظه کاران جنگ طلب کاخ سفید است. اما به نظر می‌رسد

«ایران هراسی» و «شیعه هراسی» نیز بخشی از همین پروژه باشد؛ امری که در جنجال بی سابقه آمریکا و غرب در خصوص فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران، به وضوح قابل مشاهده است؛ البته چنین طرح هایی بدون مجریان منطقه ای و وابسته به غرب که همچون همیشه رهبران کشورهای عرب هم پیمان آمریکا هستند موفقیتی ندارد. باید اهداف آمریکا در قالب مصلحت قوم عرب یا امور دیگری که به ذائقه اعراب سازگار باشد ترجمه شود. در همین راستا تقویت و ایجاد گروه های افراطی مانند طالبان و القاعده، داعش و غیره را می توان نام برد که اساسا هدفی جز گسترش موج اسلام هراسی و ایجاد حس تنفر از مسلمانان و مشروعیت بخشی به دست اندازی ها و تجاوز های غرب در منطقه ندارند.

۵- تعرض های ایدئولوژیک نظام هژمون به ایران که باعث شکل گیری فضای ملتهب روانی بر ضد ایران در نظام بین الملل می شود.

۶- تلاش برای سلب هویت از جوانان و ایجاد حس عدم مشروعیت نظام سیاسی در بین مردم.

۷- جنگ تبلیغاتی و روانی هژمون علیه ایران برای عقب نشینی ایران از موضع گیری های ارزشی.

۸- فشار بر جریان های ناب شیعی و اسلامی طرفدار ایران و تلاش برای نابودی آنها.

۹- اعمال تحریم های گوناگون بر علیه ایران.

۱۰- توسعه و نفوذ رادیکالیسم در منطقه که ناشی از عملکرد یک جانبه هژمون است که با خود طیف وسیعی

از تهدید را به همراه دارد.

۲- راه کارهای مقابله با تهدیدها

آنچه که در این بخش تلاش داریم به آن پردازیم اشاره به درس هایی است که در مکتب اسلام و رهنمودهای مقام معظم رهبری درباره مقابله با تهدیدهای دشمنان آموخته ایم. بر این اساس می توان گفت که راه کارهای زیادی برای مقابله با تهدیدات دشمنان وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- اتحاد مردم و جریان های سیاسی و دوری از اختلاف و تردید و بدبینی

دشمنان نظام همواره سعی کرده اند با ایجاد اختلاف، چند دسته گی و تقابل و در نهایت درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون و همچنین تنش بین جریان های سیاسی، هم در بعد ملی و هم در سطح جهان اسلام به اهدافشان برسند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «دشمن در جنگ نرم تلاش دارد با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطاتی پیشرفته و با شایعه و دروغ پراکنی و استفاده از برخی بهانه ها، میان آحاد مردم تردید، بدبینی، و اختلاف ایجاد کند ... در قضایای پس از انتخابات ۸۸، به بهانه انتخابات، ایجاد تردید و اختلاف کردند تا دل های مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به مسئولان چرکین شود و در چنین فضای مشوش و شلوغی، عناصر مغرض، خائن و دست آموز خود را برای کارهای اخلاص گرانه وارد صحنه کنند، اما به دلیل بصیرت مردم به نتیجه نرسیدند ... هر اقدامی که موجب مغشوش و تهمت آلود شدن فضا شود

و مردم را نسبت به یکدیگر بدبین و مردد کند، به ضرر کشور است ... من اصرار دارم که احاد مردم و جریانات مختلف سیاسی، همه با یکدیگر متحد، در مقابل آن افراد معدودی باشند که مخالف اصل انقلاب و استقلال کشور هستند و هدف آنها تقدیم کشور به آمریکا و استکبار است ... به کسانی که به دنبال مصالح کشور هستند، توصیه می‌کنم، از این اختلاف‌های جزئی، و غیراصولی صرف نظر کنند».

ایشان همچنین با تاکید بر تحکیم وحدت و بروز نشانه‌های آن می‌فرمایند: «امروز نشانه‌های وحدت عمومی و همدلی مردم قابل مشاهده است که مناظر بی‌نظیر آن، حضور مردم در نمازهای جمعه ماه مبارک رمضان، حضور گسترده در راهپیمایی روز قدس، و حضور با عظمت در نماز عید فطر در سراسر کشور است ... همه باید در مقابل این وحدت سر تعظیم فرود آورند و در جهت تحکیم آن تلاش کنند ... باید هرآنچه که امکان‌پذیر است در جهت حفظ و تقویت وحدت مذهبی، و وحدت قومی، تلاش شود.»

۲. امید به آینده و دیدی خوشبینانه همراه با اعتماد به نفس به دور از ناامیدی

مقام معظم رهبری، امید و اعتماد به نفس را سبب ناامیدی مخالفان دانسته و در این باره می‌فرماید: «مخدوش کردن نشانه‌های امید و تبدیل آنها به نشانه‌های یأس و تردید، و القای بن‌بست و سیاه‌نمایی، و در نهایت گرفتن پویایی جامعه یکی از خطوط مخالفان است».

ایشان در این رابطه به طور صریح در دیدار با نخبگان

می فرمایند: «عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید - مرکز خوشبینی - مواظب باشید، نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌حرکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می خواهد». ایشان همچنین می فرمایند: «باید درست در جهت مخالف برنامه دشمن که به دنبال ایجاد فضای یأس و ناامیدی در دانشگاهها است، حرکت، و محیط درس و دانشگاهها را فضای امید به آینده کرد». ایشان همچنین با تاکید بر مساله اعتماد به نفس در بین دانشجویان می فرمایند: «چرا من مساله اعتماد به نفس را اصلاً مطرح می کنم؟ مگر در کشور چه اتفاقی افتاده که بنده اصرار دارم روی اعتماد به نفس ملتمان یا جوانانمان تکیه کنم؟ توضیحی وجود دارد. ملت ما بر اثر انقلاب، بر اثر دفاع مقدس، بر اثر تأثیر شخصیت ویژه امام(ره) که حالا بعد اگر ان شاء الله یادمان ماند، اشاره می کنم که در ایجاد اعتماد به نفس ملی، شخص امام و عناصر تشکیل دهنده شخصیت او، یکی از بیشترین تأثیرها را داشت - و بر اثر پیشرفت‌های گوناگون، امروز به یک نصاب قابل قبولی از اعتماد به

نفس دست یافته است. بیم آن هست که در عرصه جنگ های روانی و تبلیغاتی و به اصطلاح جنگ نرم بین ما و دشمنانی که بسیار اصرار بر ادامه این نبرد دارند، این اعتماد به نفس یا خدشه پیدا کند، تضعیف بشود، متزلزل به شود یا لااقل در حدی که ملت ما به آن احتیاج دارد، پیش نرود. ما در نیمه راهیم. من به عیان می بینم که در ذهن و زبان و عمل بسیاری از برجستگان کشورمان این اعتماد به نفس هنوز به حد نصاب لازم نرسیده».

۳- ایستادگی و عدم سازش در برابر دشمنان انقلاب و نظام اسلامی

صلابت و ایستادگی حضرت امام راحل، مقام معظم رهبری و ملت ایران اسلامی بر سر ارزش ها، در برابر فتنه ها، فزون خواهی ها، فشارها و تهدیدهای دشمنان جمهوری اسلامی را باید رمز موفقیت نظام در مهار جنگ نرم دشمنان دانست. استکبارستیزی که در خطبه های نماز جمعه تاریخی ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ توسط مقام معظم رهبری به طور ویژه مورد تاکید قرار گرفت. رهبر معظم انقلاب در این رابطه می فرمایند: «به صراحت اعلام می کنیم ما با استکبار و نظام سلطه و تسلط چند کشور بر جهان مخالفیم و نخواهیم گذاشت این چند دولت با سرنوشت دنیا بازی کنند». ایشان در دیدار مردم مازندران، حجت را بر استکبار جهانی و جریان مصلحت اندیش، سازشکار و تحمیلگر داخلی تمام کردند و فرمودند: «در مقاطعی برخی طراحی های دشمن برای وادار کردن نظام اسلامی به باج دادن بوده است. اما امام (ره) بزرگوار هیچ گاه باج

ندادند و همه بدانند ما نیز از طرف ملت ایران و از طرف خود به هیچ کس باج نخواهیم داد. ملت ایران می خواهد ملتی مستقل، پویا، حرکت کننده به جلو، عامل به احکام اسلامی و قدرتمند برای دفاع از حقوق و عقاید خود باشد. آیا این خواسته بحق جرم است؟».

۴- استحکام ساخت درونی نظام

ساخت درونی نظام یعنی این که کشور بتواند روی پای خود بایستد و بتواند عزت و سرافرازی خود را در وابستگی به دیگران تعریف نکند. البته نظام جمهوری اسلامی با این معنی از ساخت درونی، نظامی مستحکم است، اما هنوز تا رسیدن به استحکام درونی لازم فاصله دارد. رهبر معظم انقلاب در این باره بیان داشتند: «آنچه برای نظام جمهوری اسلامی حائز اهمیت است، استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی است، استحکام درونی ملت ایران است؛ همان چیزی که از روز اول تا امروز توانسته است این کشور را حفظ کند؛ اتحاد ملی، توجه به آرمان های والای نظام جمهوری اسلامی، توجه به عزت ملی. ملت ایران ملت عزیزی است؛ انقلاب عزت ملت را به آنها برگرداند. گذشت آن زمانی که در خاک ایران یک گروه بان آمریکایی جرأت می کرد بزند توی گوش یک سرهنگ ایرانی؛ آن روزی که مسئولین کشور عزیز ما مجبور بودند که ملاحظه دشمنان زیاده خواه و افزون خواه را بکنند، گذشت. جمهوری اسلامی، ملت ایران را عزیز کرد، این عزت باقی است، روز به روز هم این عزت افزایش پیدا کرده است، بعد از این هم، هم وظیفه

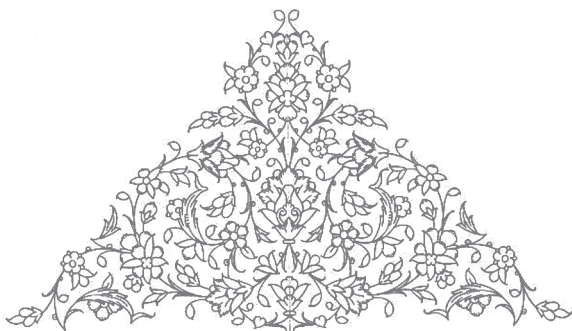
سفر ۲

آحاد مسئولین، و هم وظیفه عموم ملت ایران است که این عزت را پاس دارند، از آن دفاع کنند. یک ملت، با هویت اصلی خود، با عزت خود سرافراز می ماند و می تواند به پیشرفت برسد.»

۵- پشتیبانی از ولایت فقیه

۶- توسعه علمی در کشور

۷- افزایش بصیرت در بین آحاد مردم و مسئولان





دلایل بی اعتمادی به آمریکا

از دیدگاه مقام معظم رهبری «مدظله العالی»

مصطفی قربانی

اشاره:

«ما به آمریکایی‌ها بدبینیم و هیچ اعتمادی به آنان نداریم، دولت آمریکا غیر قابل اعتماد و خود برترین و غیر منطقی و عهد شکن است و دولتی در تصرف شبکه صهیونیسم بین المللی است که به خاطر صهیونیست‌ها مجبور است با رژیم غاصب مداخلات کنند و نرمش نشان دهند...»

آنچه در کلام مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در خصوص بدبینی و بی اعتمادی نسبت به آمریکا بیان شده است، در واقع حاصل نوع برخورد و رفتار بیگانگان با ایرانیان در طول تاریخ معاصر ایران می‌باشد، که همراه با نقض تمامیت ارضی، دخالت، گسترش نفوذ و تحقیر ایرانیان بوده است که این خود حسی از بدبینی و بی اعتمادی را نسبت به قدرتهای استعماری در میان ایرانیان به وجود آورده است. در این مقطع نیز نوع رفتار و سیاستهای آمریکا در قبال ملت ایران به گونه ای بوده است که نه تنها از حجم آن بی اعتمادی و بدبینی ملت ایران نسبت به

آمریکا نکاسته است، بلکه برحجم، دامنه و عمق این بی اعتمادی نیز افزوده است. در این نوشتار کوشش می‌شود تا دلایل بی اعتمادی و بدبینی ملت ایران نسبت به آمریکا از دیدگاه مقام معظم رهبری بررسی و بیان شود.

عملکرد آمریکا در قبال ایران

در این خصوص مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «دولتهای گوناگون آمریکا با فهم غلط از ایران و ایرانی، دشمنی‌های گوناگونی را با ما طراحی کرده‌اند. از سال اول پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، اینها با ما دشمنی کردند؛ در زمینه امنیت، علیه امنیت ما برنامه‌ریزی کردند؛ حرکات خصمانه انجام دادند؛ علیه تمامیت ارضی ما اقدام کردند؛ از دشمنان ریز و درشت ما در طول سالهای متمادی همیشه حمایت کردند؛ علیه اقتصاد ملی ما فعالیت کردند؛ از همه ابزارها علیه ملت ایران استفاده کردند؛ و در همه اینها هم بحمدالله شکست خوردند؛ بعد از این هم درمقابله با ملت ایران اگر این دشمنی‌ها را ادامه دهند، شکست خواهند خورد. بنابراین بنده مسئولان آمریکایی را هدایت می‌کنم؛ اگر دنبال راه عاقلانه می‌گردند، راه عاقلانه این است که سیاست خود را تصحیح کنند؛ عمل خود را تصحیح کنند و دست از دشمنی با ملت ایران بردارند.»

در توضیح باید گفت که نوع عملکرد آمریکا در قبال ملت ایران، چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن، همواره برخاسته از روحیه و طبع استکبارگری و سلطه‌گری آمریکا بوده است که در صحنه‌ها و حوادث مختلف آن را نشان داده است. در واقع، با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه که متحد راهبردی آمریکا در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس محسوب می‌شد، چون منافع آمریکا در منطقه

به طور جدی در معرض خطر قرار می‌گرفت، آمریکا در مبارزه میان انقلابیون به رهبری امام خمینی^(۵) و رژیم شاه، از شاه حمایت کرد، به گونه‌ای که کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا از اقدامات وحشیانه دژخیمان رژیم شاه در به خاک و خون کشیدن مردم مسلمان انقلابی در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ حمایت کرد. آمریکا از این پس به اقدامات مختلفی برای منحرف کردن نهضت انقلابی مردم ایران دست زد، از جمله این که در روزهای آخر عمر رژیم شاه، ژنرال «هایزر» را روانه تهران کرد تا با انجام کودتای نظامی، ساختار ارتش را حفظ کند و مانع سقوط رژیم شاه شود اما موفق نشد. پس از آن آمریکا به عوامل دولت موقت نزدیک شد و سفارت خود در تهران را به مرکزی برای جاسوسی، خرابکاری و اقدامات براندازانه علیه انقلاب اسلامی تبدیل کرد که با اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام^(۶) در تسخیر این لانه جاسوسی، نقشه‌های شوم آمریکا نقش بر آب می‌شود. از این پس آمریکا به دشمنی جدی با انقلاب اسلامی روی آورد و تمام روابط دیپلماتیک خود را با تهران قطع کرد و تمام اموال و دارایی‌های ایران را در داخل خاک خود بلوکه کرد و پس از آنکه فشارهای سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی آمریکا در آزاد سازی گروگان‌های آمریکایی در ایران مؤثر نیفتاد، آمریکا از سر اشتباه محاسباتی به یک سری اقدامات دست زد که عبارتند از:

۱- حمله نظامی: در پی ناکامی آمریکا در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در تهران که درماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بازداشت شده بودند، جیمی کارتر، رئیس جمهور

آمریکا دستور انجام عملیات نظامی را صادر کرد. از همین رو یگان ویژه «دلتا فورس» نیروهای مسلح آمریکا، ماموریت پیدا کردند گروگان‌های آمریکایی را در یک عملیات کماندویی آزاد کنند و به آمریکا بازگردانند. این عملیات به تعبیر حضرت امام امداد غیبی توفان شن به شکست انجامید. آمریکا در حادثه طبس شکستی را متحمل شد که به منزله کابوسی برای تمام تاریخ سلطه و تجاوز دولتمردان آمریکایی به شمار می‌رود.

۲- همکاری در طراحی و سازماندهی کودتای

نقاب: پس از شکست حمله نظامی آمریکا در طبس، آمریکا با دل بستن به افسران رژیم شاه و حمایت از طرح کودتای آنان، در صدد سرنگونی انقلاب اسلامی برآمد. کودتای نوژه (کودتای نقاب) طراحی بود که در آذر ۱۳۵۹، توسط تنی چند از افسران ارتش رژیم شاهنشاهی ایران و با تمرکز افسران نیروی هوایی برای بازگرداندن شاپور بختیار و نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی، توسط دولت آمریکا طراحی شده بود. در مورد نقش سازمان «سیا» و سایر کشورهای خارجی در این کودتا، ستوان «ناصر رکنی» در اعترافاتش می‌گوید:

«دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان «بنی عامری» در اروپا برقرار می‌شود و آنها بنی عامری را با بختیار مرتبط می‌سازند. تمامی هماهنگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد بختیار در پاریس از طریق «سیا» انجام می‌گرفته است. هماهنگی بین [رژیم صهیونیستی] اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق، توسط نماینده سازمان «سیا» که در دفتر بختیار

در پاریس بود انجام می‌شد». اما این کودتا نیز با الطاف خفیه الهی و لو رفتن طرح کودتا توسط یکی از فسران نیروی هوایی که خود از عوامل کودتا بود خنثی شد بار دیگر ثابت شد که خداوند یاورانش را تنها نمی‌گذارد.

۳- تحریک صدام برای حمله به ایران و تجهیز و تسلیح وی: در شرایطی که سالها روابط دیپلماتیک میان آمریکا و عراق قطع شده بود و عراق عضو بلوک شرق و از دشمنان رژیم صهیونیستی در منطقه محسوب می‌شد، با دیدار «برژینسکی»، مشاور امنیت ملی کارتر از عراق، چندی قبل از حمله عراق به ایران، روابط دیپلماتیک میان آمریکا و عراق برقرار می‌شود در همین زمان است که چراغ سبز حمله به ایران از سوی آمریکا به عراق داده می‌شود. از این رو آمریکا در طول هشت سال جنگ عراق با ایران، از هرگونه کمکی به عراق دریغ نکرد. «کنت تیمرمن»، کارشناس مسایل سیاسی ایران در همین زمینه می‌نویسد: «برژینسکی اجازه داد صدام در حمله به ایران چراغ سبزی را برای خود تصور کند؛ چرا که چراغ واضح قرمزی در کار نبود. ...». دولت آمریکا همچنین در نوامبر ۱۹۸۳ در بیانیه ای اعلام کرد که در آن آمده بود که «دولت آمریکا هرآنچه لازم، و از نظر قانون موجه، است را انجام می‌دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود.» این تعهد واشنگتن به بغداد تا جایی پیشرفت که آمریکا در سال آخر جنگ عملاً با ایران وارد جنگ شد. آمریکا حتی در اقدامی نادرست به تسلیح شیمیایی صدام کمک کرد.

۴- حمله به هواپیمای مسافری ایران: هواپیمای مسافربری ایران که از بندرعباس به مقصد دبی در تاریخ ۱۲

تیر ۱۳۶۷ در حرکت بود با شلیک موشک هدایت شونده از ناو «یواس اس وینسنس» متعلق به نیروی دریایی آمریکا بر فراز خلیج فارس سرنگون شد و تمامی ۲۹۰ سرنشین آن که شامل ۴۶ مسافر غیر ایرانی و ۶۶ کودک بودند، جان باختند. آمریکا هرگز در قبال این اقدام وحشیانه خود نه تنها عذر خواهی نکرد و هیچ کدام از خدمه ناو «وینسنس» را تحت پیگرد قرار نداد، بلکه «ویل راجرز» فرمانده ناو جنگی آمریکا در پایان خدمت خود مدال شجاعت گرفت.

۵- تحریم‌های غیرقانونی: از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، ایران با تحریم‌های تجاری و اقتصادی آمریکا مواجه شد تاکنون نیز به دامنه آنها افزوده شده است. در ۷ آبان ۱۳۶۶ طبق تصمیم کنگره آمریکا، ورود کالاها و فرآورده‌های آمریکایی به ایران تحریم شد. این تحریم دامنه وسیعی از محدودیتها و ممنوعیت‌های اقتصادی، فناوری، نظامی و راهبردی را در بر می‌گرفت. در ادامه، سران کاخ سفید قانون «داماتو» را در قالب قانون مجازات‌های ایران و لیبی در ۱۴ مرداد ۱۳۷۵ (۵ اوت ۱۹۹۶) در کنگره آمریکا تصویب کردند که براساس آن دولت آمریکا هر شرکت خارجی را که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری می‌کرد، تحریم و مجازات می‌کرد. این قانون برای مدت ۵ سال مقرر شده بود که در ۱۲ مرداد ۱۳۸۰ بار دیگر با تصویب کنگره و امضای جرج دبلیو بوش تمدید شد. ... با پایان یافتن دوره موسوم به اصلاحات در ایران از یک سو و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی عراق از سوی دیگر، روند تحریم ایران به روال قبلی خود بازگشت و در اکتبر ۲۰۰۰ تصویب قانون اعتبارات کشاورزی، تمامی کشورهای را که به زعم

خودشان در لیست کشورهای تروریستی بودند از دریافت ضمانت نامه‌های صادراتی دولت آمریکا محروم کردند. همچنین در روز ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی، وزارت خزانه داری آمریکا با وارد ساختن اتهاماتی مضحک، لیستی از بانک‌های ایرانی و تعدادی از نهادها و شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تحریم‌های خود قرارداد و با استفاده از قدرت لابی‌های صهیونیستی چون تشکیلات «آپیک»، بانک جهانی نیز اعلام کرد از دادن خدمات به این بانکها و مؤسسات خودداری خواهد کرد.

۶- تلاش برای براندازی از طریق ایجاد و

سازماندهی نافرمانی مدنی: هر چند از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، هدف بلند مدت و راهبردی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، سرنگونی این انقلاب و نظام برخاسته از آن بوده است اما اقدام برای تحقق این هدف در برهه‌های مختلف به شیوه‌های مختلفی عملیاتی شده است. به گونه‌ای که در دهه ۷۰ آمریکا سعی داشت تا با حمایت از غائله ۱۸ تیر ۷۸، آن را متوجه اصل نظام جمهوری اسلامی ایران کند و یا در فتنه ۸۸ با حمایت و سازماندهی عوامل فتنه در داخل و خارج کشور، سعی در براندازی نرم نظام اسلامی را داشت. هرچند تمام نقشه‌های فتنه گران داخلی و اربابان غربی آنها با تدابیر رهبر معظم انقلاب و حضور انقلابی مردم در حماسه نهم دی شکست خورد اما در این خصوص نمی‌توان از عملکرد مخرب دولت امریکا که در این مسیر بیشترین سرمایه گذاری را کرده بود، به راحتی عبور کرد. در این راستا، سنای امریکا طرحی را تصویب کرد که به موجب آن ۵۵ میلیون دلار برای مقابله با سانسور اینترنت و گسترش فضای اطلاع

رسانی در ایران هزینه شود. در این قانون که نام آنرا «قربانیان سانسور در ایران» گذاشته بودند، ۳۰ میلیون دلار برای گسترش فعالیت بخش فارسی رادیوی اروپای آزاد، رادیو فردا و شبکه‌های ماهواره‌ای، صدای آمریکا و نیز باز کردن مسیرهای اینترنتی از طریق سایتهایی مانند فیسبوک برای آشوبگران ایرانی در نظر گرفته شده است. حتی چند هفته پس از ناآرامی‌ها، "پاول رابرتز" معاون اسبق وزارت خزانه داری آمریکا در مصاحبه اختصاصی با مجله آمریکایی "فارین پالیسی" از نقش واشنگتن در بروز و ظهور آشوبها و وقایع پس از انتخابات ایران و کمک مالی «بنیاد ملی برای دموکراسی» (NED) به حامیان موسوی برای راه اندازی انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی پرده برداشت.

۷- سنگ اندازی در مسیر دستیابی ایران به فناوری صلح آمیز هسته‌ای: با آن که تمامی فعالیتهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در چارچوب مقررات بین‌المللی از جمله، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و... قرار دارد و گزارش‌های مکرر مقامات آژانس، صلح آمیز بودن این فعالیت‌ها را تأیید کرده است، اما آمریکا و دیگر کشورهای غربی همواره با این بهانه که فعالیتهای هسته‌ای ایران دارای شفافیت لازم نیست، در مسیر دستیابی ایران به این فناوری سنگ اندازی کرده‌اند. این کشورها به رهبری آمریکا نه تنها ایران را متهم به عدم شفافیت در فعالیت‌هایش می‌کنند، بلکه با انجام اقدامات تبلیغی و تهدید آمیز جلوه دادن فعالیتهای ایران، به قول خودشان به تحریم‌های فلج کننده علیه ایران روی آورده‌اند. علاوه براین، این کشورها در اقدامی

که نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود، به ترور دانشمندان هسته ای کشور مان نیز روی آوردند. انجام اقدامات خرابکارانه مختلف از جمله، طراحی و نفوذ ویروس «استاکس نت» برای تخریب فعالیت هسته ای ایران از دیگر اقدامات خصومت آمیز آمریکا در این زمینه است. بنابراین چه گفته شد، نوع عملکرد آمریکا در قبال ملت ایران به گونه ای بوده است که اساسا هیچ روزنه ای برای اعتماد و خوش بینی باقی نگذاشته است.

حاصل اعتماد به آمریکا

آنچه در بالا بدانها اشاره شد، اقداماتی بوده است که آمریکا در قبال انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران انجام داده است. هرچند همان چند موردی که در بالا به طور مختصر به آنها اشاره شد گویای غیرقابل اعتماد بودن آمریکاست و منطق بدبینی و بی اعتمادی ملت ایران به آنها را توضیح می‌دهد، اما علاوه بر این در حداقل سه مورد در تاریخ معاصر ایران، به آمریکا اعتماد شده است که اتفاقا در هر سه این مورد، علیرغم صداقت جمهوری اسلامی و اعتماد به آمریکا، این اعتماد نتیجه ای برای ملت ایران در پی نداشته است. اولین مورد مربوط به قبل از انقلاب و حوادث ملی شدن ایران است و دو مورد دیگر به حوادث بعد از انقلاب اسلامی در ایران مربوط می‌شود:

۱- **سرنگونی نهضت ملی کردن صنعت نفت:** در مجموع در طول سالهای ملی شدن صنعت نفت، آمریکا نقش سه گانه ای را بازی کرد؛ آنگاه که موضوع رقابت آمریکا و انگلیس در میان بود، آمریکا حامی و پشتیبان ملی کردن نفت ایران بود. هنگامی که اختلافات میان

ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس بالا گرفته بود، آمریکا نقش میانجی گر و واسطه را ایفا کرد و آنگاه که پایداری ایرانیان در دفاع از حقوق خود می‌رفت تا استعمار انگلیس را شکست دهد و دست آن را از منابع سرشار نفت ایران قطع کند، آمریکا به نهضت نفت ایران پشت کرد و نه تنها به ایران کمک مالی نکرد و تحریم نفتی ایران را رعایت کرد، بلکه با طرح ریزی کودتای «آژاکس» توسط «کرمیت روزولت» (پسرعموی کیم روزولت، رئیس سازمان سیا) نهضت ملی را شکست داد. نکته جالب در این میان، امید بستن دکتر مصدق به حمایت‌های آمریکا بود که نه تنها آمریکا از نهضت حمایتی نکرد، بلکه آن را نیز سرنگون کرد.

شاهد مثال در این زمینه، اسنادی است که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا)، در ۲۸ مرداد ۱۳۹۲ پس از گذشت ۶۰ سال از سرنگونی دولت مصدق، از طبقه بندی محرمانه خود خارج کرده است. مجله «فارینپالیسی» در حاشیه انتشار این اسناد آورده است: «سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا برای تحقق اهداف خود در اجرای کودتا، پروژه ای چند لایه و پیچیده را همزمان به پیش بردند؛ استفاده از ماشین پروپاگاندای خود برای تخریب وجهه سیاسی محمد مصدق، رشوه دادن به برخی از نمایندگان وقت پارلمان ایران، سازمان دهی نیروهای نظامی و در نهایت به راه انداختن راهپیمایی‌ها و اعتراضات خیابانی». سیا در مقدمه یکی از سندها که متعلق به سال ۱۹۵۴ است می‌نویسد: «هدف عملیات آژاکس سرنگونی دولت محمد مصدق، باز سازی منزلت و قدرت شاه و جایگزینی دولت مصدق با دولتی بود که ایران را با

سیاست‌های سازنده اداره کند.» بنا به این سند همچنین هدف کودتا این بوده که دولتی برسرکار بیاید که دولتهای غربی بتوانند درباره بازار نفت با آن به توافق برسند.

۲- همکاری با آمریکا در آزاد سازی گروگانهای غربی از لبنان: با پایان جنگ تحمیلی، جورج شولتز، وزیر خارجه وقت آمریکا اعلام کرد که آمریکا مایل است روابط خود را با ایران تجدید کند. یکی از اهداف مهم نزدیکی آمریکا به ایران در این مقطع، آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان بود. از این رو، اندکی بعد جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا طی نامه ای به رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، آقای هاشمی رفسنجانی، خواستار آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان و تجدید روابط بین آمریکا و ایران شد. آقای هاشمی نیز ضمن مسئول دانستن آمریکا در نجات گروگانها نسبت به آزادی آنها ابراز تمایل کرد.

با انتخاب «جرج هربرت واکر بوش» (پدر) به ریاست جمهوری آمریکا، وی نیز لحن آشتی جویانه ای در قبال ایران در پیش گرفت و در اولین سخنرانی خود خطاب به ایران گفت که حسن نیت موجب حسن نیت می شود. منظور وی این بود که اگر ایران در آزاد سازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان تلاش کند، آمریکا نیز درمقابل بخشی از دارایی‌های توقیف شده ایران را آزاد می‌کند. از سوی دیگر، با انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری اسلامی ایران نیز امید به تنش زدایی در روابط ایران و آمریکا افزایش یافت.

در همین زمان با اشغال کویت از سوی عراق در مردادماه ۱۳۶۹، که حمله نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری

آمریکا به عراق را در پی داشت، جمهوری اسلامی ضمن مخالفت با حضور نیروهای خارجی در منطقه، در صدد حل و فصل مسالمت آمیز بحران از طریق همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و سازمان ملل برآمد و در این خصوص از قطعنامه‌های سازمان ملل پیروی کرد. با این وجود، پس از پایان جنگ، ایران از ترتیبات امنیتی منطقه که از سوی آمریکا مطرح و اعلام شد، حضور نداشت. علیرغم این وضعیت، جرج بوش درپیمای به رهبران ایران خواهان مذاکره مستقیم با آنان درباره آزادی گروگانها و بهبود روابط آمریکا و ایران شد. دولت هاشمی رفسنجانی نیز جهت نشان دادن حسن نیت ایران، نیروهای انقلابی در لبنان را متقاعد ساخت تا گروگان‌های غربی را آزاد کنند، به طوری که تا اواخر سال ۱۳۷۰ همه گروگان‌ها به جز دو آلمانی آزاد شدند. ولی این حسن نیت، به رغم وعده جرج بوش، با حسن نیت متقابل آمریکا مواجه نشد. بنابراین مشخص شد که در این واقعه آمریکاییها نه تنها به وعده‌های خود عمل نکردند، بلکه حتی به حجم گستاخی‌های خود نیز افزودند.

۳- همکاری در بحران افغانستان: یکی موارد بحران افغانستان است، جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران افغانستان ابتدا کوشید با حمایت از نقش محوری سازمان ملل در مدیریت بحران، از تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان جلوگیری کند. دیپلماسی جمهوری اسلامی حول سه محور مخالفت با یک جانبه گرایی آمریکا، محوریت سازمان ملل و مشارکت فعال در مذاکرات دیپلماتیک در کنفرانس ۲+۶ (مرکب از شش کشور همسایه افغانستان، آمریکا و روسیه) شکل گرفت. اما با تهاجم آمریکا به

افغانستان، جمهوری اسلامی ایران ضمن مخالفت با اقدام نظامی آمریکا، کوشید از طریق مشارکت فعال در شکل دهی به آینده افغانستان، نقشی مؤثر و فعال در بحران و جنگ ایفا کند.

اوج دیپلماسی و همکاری ایران در بحران افغانستان در «کنفرانس بن» تجلی یافت که از درون آن ساختار سیاسی آینده افغانستان پایه ریزی شد. در این کنفرانس، از میان گزینه‌های مطرح و متصور در خصوص آینده افغانستان، تشکیل دولتی برای جمهوری اسلامی ایران مطلوب بود که واجد این ویژگی‌ها می‌بود: دولت فراگیر متشکل از همه گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و جهادی افغان؛ برخوردار از ثبات نسبی؛ مسئولیت پذیر؛ قابل اعتماد و پیش بینی پذیر. دولتی که از کنفرانس بن سر برآورد حاصل اجماع در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی بود و علیرغم آنکه تأمین کننده اهداف و منافع حداکثری ایران نبود، ولی بدترین گزینه نیز نبود. پس از تشکیل دولت انتقالی افغانستان به ریاست حامد کرزای که از حمایت کامل آمریکا برخوردار بود، جمهوری اسلامی ایران نقش آفرینی خود را در این کشور ادامه داد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه مشارکت فعال در بازسازی سیاسی، اقتصادی، علمی و آموزشی افغانستان استوار بود. در زمینه سیاسی ایران کوشید در چارچوب همکاری با سازمان ملل به استقرار و تثبیت حاکمیت دولت انتقالی افغانستان و توسعه آن به سایر ولایات افغانستان کمک کند. بدین منظور ایران با تمرکز روابط با دولت مرکزی در کابل، تشویق حاکمان سایر ولایات به پذیرش حاکمیت دولت انتقالی و عدم حمایت از نیروهای گریز از مرکز به

شکل گیری دولت مرکزی فراگیر کمک نمود. هدف ایران در این خصوص نیز برقرای نظم، امنیت و ثبات سیاسی در افغانستان بود که اهداف و منافع متقابل هر دو کشور را تأمین می کرد. دیدار رئیس جمهور وقت ایران در مرداد ۱۳۸۲ از کابل به عنوان اولین رئیس جمهوری خارجی، بیانگر رضایت و حمایت ایران از دولت انتقالی افغانستان بود. ایران همچنین در فرایند بازسازی افغانستان فعالانه شرکت کرد و متعهد شد ۵۶۰ میلیون دلار کمک بلاعوض جهت اجرای برنامه های بازسازی به دولت افغانستان اعطاء کند. با این وجود و علیرغم همکاری غیرمستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا در جریان بحران افغانستان، به ویژه در کنفرانس بن، آمریکا حاضر به انجام اقدامات متقابل در قبال ایران نشد و حتی پس از پایان جنگ در افغانستان، جرج بوش در بهمن ماه ۱۳۸۱، ایران را در کنار کره شمالی و عراق محور شرارت خواند.

علاوه بر آنچه گفته شد، بایستی به اعتماد به غربی ها در تعلیق داوطلبانه فعالیت های هسته ای کشورمان در زمان دولت اصلاحات نیز اشاره کرد که این نیز نتیجه ای برای کشورمان در پی نداشت و تنها بر حجم گستاخی ها و زیاده خواهی های طرف مقابل افزود.

جمع بندی

قرار گرفتن در مقابل دشمنی که از یک سو از خوی استکباری برخوردار است، خود برترین است و حقی برای طرف مقابل خود به رسمیت نمی شناسد همچنین در کاربرد خشونت و جنایت علیه بشریت نیز مانعی مقابل خود نمی بیند و از سوی دیگر، سابقه عملکردش نیز مؤید ویژگی های ذاتی اش می باشد، افزایش بی اعتمادی و ضرورت هوشیاری

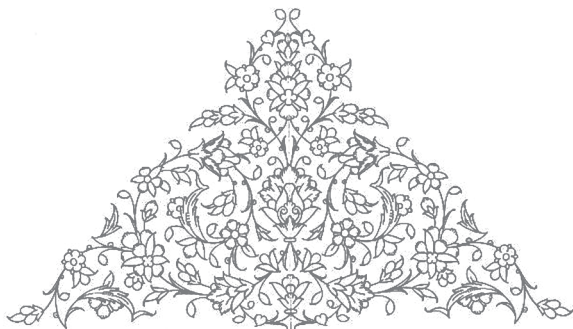
مضاعف ما را در مقابل آن گوشزد می‌کند. از این رو، مقام معظم رهبری با تأکید بر این که مماشات بامستکبر، هیچ فایده ای برای کشورهای و ملت‌ها ندارد، می‌فرمایند: «رویکرد استکباری امریکا موجب شده است ملت‌ها نسبت به آن، یک حس بی‌اعتمادی و بیزاری داشته باشند ضمن این که تجربه نشان داده است هر ملت و دولتی که به امریکا اعتماد کند، ضربه خواهد خورد، حتی اگر از دوستان امریکا باشد.» معظم له همچنین می‌فرمایند: «سوابق عملکرد امریکا نشان می‌دهد موضوع هسته ای تنها بهانه ای برای ادامه دشمنی با ایران است. ... لبخند فریب‌گرانه دشمن کسی را دچار خطا نکند. مسئولان، به اظهارنظرها و اقدامات طرف مقابل، دقت و توجه لازم را داشته باشند. آنها از یک طرف لبخند می‌زنند و اظهار تمایل به مذاکره می‌کنند اما از طرف دیگر بلافاصله می‌گویند همه گزینه‌ها روی میز است. ...»

در تأیید این فراز از بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه آمریکایی، نیویورک تایمز نیز در گزارشی با عنوان «نجات برنامه هسته‌ای ایران» به چالش‌های پیش روی رئیس‌جمهور ایران برای رسیدن به توافق هسته‌ای با غرب پرداخته و با اشاره به تلاش‌های رابرت مندزو مارک کرک، سناتورهای آمریکایی برای تشدید تحریم‌های ایران گفت که «شک رهبر ایران به آمریکا بی‌دلیل نیست». بنا بر این در شرایط کنونی نیز باید بدانیم که طرف مقابل ما کسی است که «پنجه چدنی زیر دستکش مخملی» دارد. در پایان باید گفت که «شعارهای ضد آمریکایی و ضد غربی و ضد استکباری که در کشور شنیده می‌شود ناظر به حقیقت و واقعیت وجودی آمریکاست اما برخی به

غلط تصور می‌کنند که این شعارها، کاری تعصب‌آمیز و بدون منطق فکری است. نگاه ضدآمریکایی و ضدغربی در ایران، یک نگاه عقلانی و متکی بر تجربه و محاسبه صحیح است.»

منابع:

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۳/۵/۱.
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹.
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۷/۱۳.
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.
- ۵- تیماجی، مهدی، «ده دلیل تاریخی برای بی اعتمادی به آمریکا»، کیهان فرهنگی، در: www.hawzah.net
- ۶- «گفتگویی با آقای هاشمی رفسنجانی در مورد مسائل سیاست خارجی»، فصلنامه خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۰.
- ۷- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۸.





دل نوشته زائر کوی عاشقان

عید برای هر کس رنگ و بویی خاص دارد. بعضی ها یاد سفره هفت سین و آجیل و عیدی گرفتن می افتند و بعضی هم دید و بازدیدها برایشان تداعی می شود، ولی چند سالی است که عید و تعطیلات نوروز برایم یادآور چیز دیگری است. وقتی حدود ده سال پیش برای اولین بار در این تعطیلات نوروز پایم به مناطق جنگی باز شد، هیچ گاه فکر نمی کردم که شاید این سفر، دلم را در گرو چیزی ببرد و اسیر خود کند. وقتی اولین بار پایم به دوکوهه رسید، هیچ گاه فکر نمی کردم که دلم تا عید بعد و تجدید زیارت آن، بی قرار باشد. اما نه! همان بار اول کافی بود که هنوز عید نشده تمام هم و غم این باشد که یک بار دیگر، حداقل به چشم سر، محل رفت و آمد فرشتگان خاکی خدا را ببینم؛ و خدا هم دل سیاهم را نمی شکست و هر سال با هر سابقه ای که داشتم باز هم محبتش را در حقم صد چندان می نمود و مرا در آن قدمگاه فداییان روح الله (ره) راه می داد، تا دل زنگار گرفته ام جلایی بگیرد و چند صباحی پاکی استشمام کند و خلوص استنشاق کند.

ولی نمی دانم که امسال به کدامین خطایم این حداقل
 آرزویم برآورده نشد و در حسرت این دیدار سوختم. این چند
 روز هر بار که دیدم و شنیدم عزیزی راهی این سفر است،
 انگار تکه ای از دلم کنده می شد. وقتی یاد آن بهشت
 خاکی ایران می افتادم و یادم می آمد که چه توفیقی از
 من سلب شد، بیشتر دلم آتش می گرفت. یاد اروند و
 غروب دلگیرش! یاد طلائیه و سه راهی شهادتش! یاد
 شلمچه و گودال قتلگاهش! یاد فکه و رمل هایش! یاد
 دهلاویه و ابرمردی که در آن خدایی شد! یاد هویزه و
 تن هایی که زیر شنی های تانک ها لگدمال شد! و یاد
 دوکوهه ...! و یاد دوکوهه ...! دوکوهه ...! دوکوهه ...!

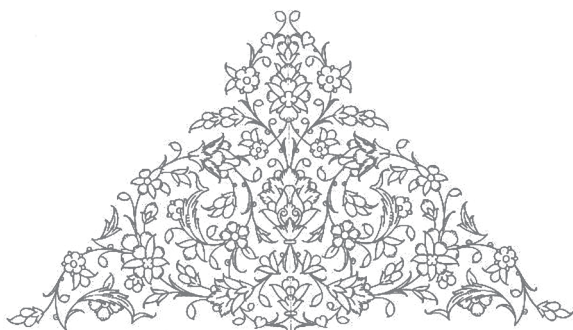
و ما چه می دانیم که دوکوهه چیست؟!

یاد دوکوهه و ایستگاه قطارش که برای رزمنده ها "دلبر"
 و "دلاور" بود! یاد دوکوهه و ساختمان های غربت گرفته
 اش! یاد دوکوهه و دیوار نوشته هایش! یاد دوکوهه و
 حسینه حاج همتش! یاد دوکوهه و حوض کوثرش! یاد
 دوکوهه و میدان صبحگاهش! همانجا که سجده گاهی
 بود به وسعت آسمان.

یادش بخیر! چه صفایی داشت میدان صبحگاهش! مثل
 دریا، انگار تمامی نداشت. یادش بخیر نیمه شبها تو وسط
 میدان صبحگاه می نشستم و خودم را بین رزمنده ها حس
 می کردم که دارند مناجات می کنند. یادش بخیر کنج
 همین میدان بود بود که برای آخرین بار "محمد عبدی"
 را دیدم یادش بخیر حسینه حاج همت و کمیل خواندن
 حاجی

مکه من فکه بود، منای من دوکوهه یادش بخیر
 ساختمان گردان کمیل! یادش بخیر اون شبی که "داود"
 جلوی ساختمان، در تاریکی شب بچه ها را جمع کرد و به
 یاد شب های عملیات از رفقاییش گفت! یادش بخیر!
 یادش بخیر! یادش بخیر!

و من امسال از فرسنگها فاصله، دلم را روانه آن دیار کردم
 و با خاطراتم دلخوشم و روزگار سپری می کنم و نمی دانم
 که دوباره لیاقت حس کردن آن بهشت را دارم ...؟!!!





آثار و برکات اردوهای راهیان نور

دفاع مقدس گنجینه‌ای برای تمامی نسل‌ها است، هرچه از این گنجینه بیشتر و بهتر استفاده شود، مسیر رسیدن به قله‌های پیشرفت و سعادت نه تنها هموارتر بلکه کوتاه نیز می‌شود. امروز ترنم هوای جبهه و جنگ در جای جای کالبد جامعه در حال وزیدن است. در سایه این فرهنگ و طنین انداز شدن مدیریت تفکر بسیجی، پیشرفت کشور و فتح قله‌های دانش و ثبت افتخارات در عرصه‌های گوناگون علمی، تحقیقاتی، پزشکی، هسته‌ای، فضایی، سلول‌های بنیادین، نانو و بایو رقم خورده است. به عبارتی راهبرد «ما می‌توانیم» امام امت، به رخ جهانیان کشید شد و آثار و برکات فراوانی را برای کشور به ارمغان آورد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- مقدمه بازگشت به خویشتن

یکی از آثار و برکات سفرهای راهیان نور افزایش اعتماد به نفس است. جوانان امروز با دیدن رشادت‌های نسل دیروز انقلاب احساس هویت کرده به تاریخ سراسر افتخار خویش می‌بالند و در مقابل توطئه‌های یاس آور و ناامید کننده مقاوم می‌شوند. زیرا در دوران دفاع مقدس افرادی

چون شهید دکتر چمران وقتی سال ۱۳۵۷ وارد کشور شد در فرودگاه بعد از به جا آوردن سجده شکر، طی سخنانی با این مضمون بیان داشت؛ ای وطن؛ هر کس آمده است تا از تو چیزی بگیرد، ولی من چیزی غیر از جانم نداشتم. برایت بیاورم، آمده‌ام تا جانم را فدایت کنم. آری در صحنه غیرت ملی و دینی چمران‌هایی که درخشیدند، تمام هستی خویش را فدا کردند و قهرمانان تاریخ ایران شدند. اردوهای راهیان نور علاوه بر آشنایی جوانان با حماسه آفرینان هشت سال دفاع مقدس، مقدمه بازگشت به خویشتن و گام نهادن در مسیر کمال معنوی را بهتر تجربه می‌کنند.

۲- ظرفیت تاثیرگذاری بر مخاطب

اردوهای راهیان سرزمین نور فرصت طلایی انعکاس زوایای گنجینه انقلاب، در ابعاد مختلف عاطفی، ولایت مداری، شجاعت و شهامت، فداکاری و ایثار، دشمن شناسی و دشمن ستیزی و... برای مخاطبان و زائران است. به بیانی دیگر اجتماع میلیونی، در یادمان‌ها و میعادگاه‌های معراج شهدا بزرگترین ظرفیت‌ها و بستر تأثیرگذاری برای همه اقشار مختلف جامعه است.

۳- مهمترین بستر خنثی کننده توطئه‌ها

همان گونه که عاشورا و مکتب سرخ حسینی، اسلام را در طول ۱۴۰۰ سال بیمه کرد. رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس، با الهام از فرهنگ عاشورا و بازسازی آن حماسه جاودانه آفریدند و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. بنابراین حضور در کاروان‌های راهیان نور تداعی کننده تداوم نهضت عاشورا و خنثی کننده توطئه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و... دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب است، به همین دلیل استکبار جهانی به انحای مختلف با

آرمان‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس به مقابله برخاسته اند غافل از این که خداوند در قرآن کریم این گونه بشارت داده است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

۴- دانشگاه نهادینه سازی فرهنگ شهادت

امروز دشمنان و سیلی خوردگان از انقلاب اسلامی، از طریق فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی اینترنت، ماهواره و... افکار و فرهنگ مردم را نشانه گرفته است، باید هوشیارتر از گذشته عمل کنیم، با بازخوانی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص سبک زندگی اسلامی، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن می‌توانیم ضمن برخورداری از امنیت روانی و رفتاری به مقابله با جنگ نرم دشمن برویم، زیرا شناخت ارزش‌های دفاع مقدس نقش تاثیر فراوانی در تعالی اجتماعی دارد، اردوهای کاروان‌های سرزمین نور بهترین فرصت برای انجام کار فرهنگی است. دفاع مقدس یکی از حساس‌ترین و تاثیرگذارترین برهه‌ها در تاریخ جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که نقشی بی بدیل و غیر قابل اغماض در تثبیت نظام اسلامی ایفا کرد و موجب رشد و بارور شدن نهال انقلاب شد. پیروزی ملت ایران در انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس، خلق حماسه ۹ دی، خنثی سازی فتنه ۸۸ با تکیه بر فرهنگ ایشار و شهادت بود. اردوی راهیان نور دانشگاهی است که در آن، ترویج فرهنگ شهادت نهادینه می‌شود.

۵- بزرگترین گردهمایی بصیرت افزایی

یکی از آثار و برکات اردوهای راهیان نور، اجتماع میلیونی زائران در یادمان‌ها و میعادگاه‌های معراج شهدا، مرکز ثقل و نقطه قوتی برای نظام اسلامی است. در این گردهمایی

میلیونی معنوی - سیاسی، بصیرت افزایی سیاسی و عمل به منویات حضرت امام «ره» و مقام معظم رهبری «مدظله العالی» به عنوان بهترین و مهمترین راهکاری مناسب در تقابل با توطئه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همچنین، رمز بقا و مقاومت ملت در مقابل فشار استکبار جهانی و بدخواهان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۶- احیاگر راهبرد «ما می‌توانیم»

اردوهای راهیان سرزین نور ضمن به تصویر کشاندن رشادت‌های یاران و سربازان معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) برای نسل کنونی، تداعی کننده توانایی‌ها و اعتماد به نفس نسل امروز است. به تعبیر مقام معظم رهبری شلمچه قطعه‌ای از بهشت و طلائیه تداعی کننده جنگ خیر است، امروز قطعه‌ای از بهشت در شلمچه به وجود آمده است تا مفهوم «ندای هیئات من‌الذله» را برای نسل جوان امروز تبیین کند. اگر امروز آوازه انقلاب اسلامی و آثار و برکت آن در دنیا، به خصوص غرب آسیا طنین انداز می‌شود. کشورهای غربی و اروپایی از جمله اعضای ۵+۱ که در دوران جنگ تحمیلی با حمایت همه جانبه از رژیم بعثی صدام به دنبال براندازی نظام اسلامی بودند، اما امروز پای میز مذاکره حاضر می‌شوند، به دلیل اقدام‌های دیپلماتیک و گفتمان دولت‌ها نیست، بلکه به خاطر جوانانی است که علاوه بر بذل جان خویش راهبرد «ما می‌توانیم» را اثبات کردند و اردوهای راهیان نور تداعی کننده و احیاگر این راهبرد است.

۷- نوید بخش پیروزی‌های بزرگ

اردوهای راهیان سرزمین نور برای ما مقدس و عطر آگین

است. هر سال اقشار مختلف جامعه رنج سفر را متحمل می‌شوند و به این سفر می‌روند. چرا در بیابانی که جز خاکریز ندارد این قدر شوق بر انگیز است؟ دلیل پر کشیدن دلها برای آن چیست؟ حامل چه پیامی است؟ بدون شک، پیروزی انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر متجاوزان در دوران هشت سال دفاع مقدس، پیروزی بزرگ در پاسخ به ندای حضرت امام «ره» و تجربه آموزه‌های قرآنی بود. تقدیم صدها هزار شهید در راه انقلاب اسلامی گواهی بر این مدعاست. قرآن از زبان شهدا به ما همواره این پیام را تداعی می‌کند که رمز موفقیت و پیروزی‌های بزرگ در گرو مقاومت و ایستادگی است، چرا که «ان حزب الله هم الغالبون».

فرجام سخن

آشنایی نسل جوان با حماسه آفرینی‌های رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس ضرورتی اجتناب ناپذیر است، اعزام کاروان‌های راهیان نور نقش موثری در این زمینه دارد. این اردوها ضمن انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان تاثیر بسیاری در مقابله با اهداف جنگ نرم دشمنان دارد. اردوهای راهیان نور تجویز واکسن بیمه شدن جامعه برابر خطرها است. فرهنگ دفاع مقدس الهام از فرهنگ عاشورا دارد. امروز در سایه اردوهای راهیان نور روح استقامت، شهادت و جوانمردی در انگیزه تک‌تک جوانان و نوجوانان نظام اسلامی ریشه می‌دواند و موجب حفظ و تداوم انقلاب اسلامی می‌شود.



شلمچه از نگاه یار

ز آه سینه سوزان ترانه می سازم
 چو نی ز مایه جان این فسانه می سازم
 به غمگساری یاران چو شمع می سوزم
 برای اشک دمداد بهانه می سازم
 پر نسیم به خوناب اشک می شویم
 پیامی از دل خونین روانه می سازم
 نمی کنم دل از این عرصه شقایق فام
 کنار لاله رخان آشیانه می سازم
 در آستان به خون خفتگان وادی عشق
 برون ز عالم اسباب، خانه می سازم
 چو شمع بر سر هر کشته می گذارم جان
 ز یک شراره هزاران زبانه می سازم
 ز پاره های دل من شلمچه رنگین است
 سخن چو بلبل از آن عاشقانه می سازم
 سر و تن و دل و جان را به خاک می فکنم
 برای قبر تو چندین نشانه می سازم
 کشم به لجه شوریدگی بساط «امین»
 کنون که رخت سفر چون کرانه می سازم